

**بازشناسی عوامل زمینه‌ای و تداومی
حاشیه نشینی در ایران**

رضا صفری شالی



۱. بیان مسأله

حاشیه‌نشینی به مثابه یک پدیده و چالشی جهان‌شمول و اپیدمیک، یکی از پیچیده‌ترین مسائل و معضلات اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی است که در کشورهای جهان به اشکال مختلف وجود دارد. بر اساس گزارش سازمان ملل متحد، حاشیه‌نشینی و آلونک‌نشینی، چالش اصلی هزاره سوم معرفی شده است. که در عین حال، معضل عمده کشورهای در حال توسعه در جهان امروز نیز قلمداد می‌گردد چرا که در این کشورها، رشد سریع جمعیت و درهم شکستن اقتصاد معیشتی مبتنی بر کشاورزی از سویی و منابع محدود و نابرابری‌های طبیعی و جغرافیایی از سویی دیگر، سبب بیش بهره‌مندی بخشی از گروه‌های اجتماعی و کنار گذاشته شدن سایر گروه‌ها به ویژه مناطق روستایی گردیده است و هم‌امر زمینه‌رایی مهاجرت و حاشیه‌نشینی تقویت نموده ایران نیز به عنوان کشوری در حال توسعه، از این پدیده بی‌بهره نبوده؛ بطوریکه امرزه حاشیه‌نشینی به عنوان یکی از مهمترین مشکلات کلانشهرها در کشور به شمار می‌آید و به مثابه معضلی جدی در توسعه پایدار و همگون مناطق قلمداد می‌شود که با خود مشکلات زیادی را مانند «ضعف امنیت»، «کاهش کنترل اجتماعی»، «قانون‌گریزی» و... را در حاشیه شهرها به همراه دارد؛ حال آنکه، بخش عمده‌ای از این مشکلات، به داخل شهرها نیز سرریز می‌گردد.

۱۲ درصد جمعیت کشور در مساحتی کمتر از یک درصد خاک ایران در حال زندگی است؛ این به معنای یک فاجعه است. براساس آمار مرکز منابع انسانی مرسر (MERCER) تهران شانزدهمین شهر پرتراکم جهان است و این به معنای کاهش کیفیت زندگی در این پهنه از کشور است. طی ۵ سال گذشته ۷۷۳ هزار نفر مهاجر وارد تهران و شهرهای همجوار شده‌اند. بخش عمده‌ای از این جمعیت به حاشیه پایتخت رفته و بخشی دیگر در شهرهای همجوار ساکن شده‌اند. بیشترین تعداد مهاجران در شهرهای جدید پردیس، پرند، هشتگرد، شهر قدس، اندیشه و ملارد ساکن و در بازار کار تهران مشغول به فعالیت می‌شوند.

این موضوع در مورد کرج ، مشهد، تبریز، اهواز و... نیز مصداق پیدا می کند

آمار مهاجرت به تهران

طی ۵ سال گذشته ۷۷۳ هزار نفر مهاجر وارد تهران و شهرهای همجوار شده‌اند. بخش عمده‌ای از این جمعیت به حاشیه پایتخت رفته و بخشی دیگر در شهرهای همجوار ساکن شده‌اند. بیشترین تعداد مهاجران در شهرهای جدید پردیس، پرتد، هشتگرد، شهر قدس، اندیشه و ملارد ساکن و در بازار کار تهران مشغول به فعالیت می‌شوند.

جمعیت مهاجر به تهران و البرز

استان	تعداد	مقصد	گروه سنی	درصد
البرز	۱۴۹۸۳۹	بازار کار تهران	۳۴ تا ۴۵ سال	۲۸
تهران	۶۲۳۳۳۱	بازار کار تهران	۳۴ تا ۴۵ سال	۲۹

تهران

جمعیت کل استان	۱۳,۲۶۷,۶۳۷	
ساکن در نقاط شهری استان	۱۲,۴۵۲,۲۳۰	
جمعیت کل شهر تهران	۸,۷۳۷,۵۱۰	
ساکن در نقاط شهری تهران	۸,۶۹۳,۷۰۶	

البرز

جمعیت کل استان	۲,۷۱۲,۴۰۰	
ساکن در نقاط شهری استان	۲,۵۱۲,۷۳۷	
جمعیت کل شهر کرج	۱,۹۷۳,۴۷۰	
ساکن در نقاط شهری کرج	۱,۹۴۰,۵۵۴	

منبع: آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۹۵، مرکز ملی آمار

۲. بررسی مفهومی حاشیه نشینی

حاشیه نشینی تا حدود زیادی مترادف با مفاهیمی چون زاغه نشینی و آلونک نشینی، کپرنشینی به کار برده شده است. چرا که اصطلاح حاشیه نشینی یا «سکونتگاه‌های حاشیه‌ای» (marginal settlement) دلالت بر فرایندی تاریخی دارد که شکل‌هایی از تأمین مسکن و اسکان گروه‌های کم درآمد را از قبیل زاغه یا آلونک‌نشینی به شکل‌های پراکنده یا متمرکز، تصرف عدوانی و سازمان یافته اراضی در قالب حرکت‌های خودجوش تا جنبه سوداگرانه یافتن این روند به شکل خانه‌سازی و تفکیک غیررسمی زمین را در بر می‌گیرد.

حاشیه‌نشینان از منظر اجتماعی، دارای موقعیتی ضعیف بوده و در طبقه‌ی پایین منزلت اجتماعی قرار دارند. این گروه، از ساخت قدرت و سیاست عمومی جامعه جدایی یافته‌اند و به عنوان گروه پایین اجتماعی تلقی می‌شوند.

از منظر فرهنگی، حاشیه‌نشین‌ها خانواده‌های تهیدست و غالباً مهاجر می‌باشند که به تعبیر اسکار لوئیس، در نوعی فرهنگ فقر زندگی می‌کنند، آنان به طور کامل جذب شیوه‌های جدید زندگی شهری نشده و در حاشیه‌ی آن به زندگی ادامه می‌دهند.

نگرش کالبدی در این باره، مبین آن است که این قشر از اجتماع، در سرپناه‌های خلق‌الساعه برپا شده بر زمین متعلق به دیگران و واقع در حاشیه شهرها روزگار می‌گذرانند.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که حاشیه‌نشین فردی است مهاجر و یا غیرمهاجر که به دلیل فقدان توانایی مالی و قابلیت‌ها و استعداد‌های خاص مهارتی و صنفی، نبود بنیانهای مالی توانمند، طبقه و فرهنگ اجتماعی، فقدان مسکن مناسب، به حاشیه شهری رانده شده است.

از دیدگاه شهرسازی، حاشیه‌نشینی نوعی اسکان غیررسمی و شیوه‌ای از سکونت موقت تلقی می‌شود که در خارج از محدوده‌های شهری در زمین‌هایی که برای توسعه شهری پیش‌بینی نشده‌اند، شکل می‌گیرد و با ساخت و ساز غیرقانونی و تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی همراه است

خلاصه رویکردهای مسلط در برنامه‌ریزی و حل سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشیه‌ای

رویکرد	دوره رواج و تسلط	نکات اصلی
نادیده گرفتن	تا دهه ۱۹۶۰	* با توسعه اقتصادی در کل جامعه مشکل حل خواهد شد. * مشکل ساختاری است و با برنامه‌ریزی محلی حل نخواهد شد.
تخلیه اجباری و حذف	۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ در برخی از کشورها تا کنون	سکونتگاه‌های غیررسمی غده‌های چرکین بر بدن شهر هستند و باید از بین بروند.
خودیاری	۱۹۷۰ و ۱۹۸۰	بهره‌گیری از نیروی کار، مهارت و توان مدیریت ساکنان در حل مشکل
مسکن عمومی (اجتماعی)	۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰	* دولت و منابع دولتی کلید حل مشکل است. * نیاز به یارانه‌های هدف‌دار مسکن
مکان - خدمات	۱۹۷۰ و ۱۹۸۰	تأمین حق سکونت و زیرساخت‌ها با بهره‌گیری از وضع موجود
بهسازی	۱۹۸۰ تا کنون	تأمین حق سکونت و زیرساخت‌ها با بهره‌گیری از وضع موجود.
توانمندسازی	۱۹۹۰ تا کنون	* ایجاد چارچوب سیاسی، اداری و محیطی * استفاده از ظرفیت‌های درونی اجتماعات محل * توسعه اقتصادی و اجتماعی

علل و زمینه‌های اجتماعی حاشیه‌نشینی در ایران

علل و زمینه‌ها	ردیف
	۱
عدم وجود امکانات رفاهی- بهداشتی و آموزشی در روستاها و شهرهای کوچک سیاست های نامناسب و ناموزون توسعه نابرابری‌های امکاناتی بین شهر و روستا تفاوت فاحش درآمد شهر و روستا فرصت های شغلی بیشتر در شهر جاذبه‌های شهری عدم توجه به کشاورزی تجمع صنایع بزرگ و اشتغال‌زا در شهرهای بزرگ مهاجرت برون شهری (شهر به شهر یا روستا به شهر)	رشد بی‌رویه مناطق شهری و شهرنشینی ۲ تمایل به مهاجرت
مهاجرت درون شهری (مرکز به حاشیه)	
تمایل به شهرهایی مثل تهران، کرج، مشهد و.... مناطق شرق و جنوب شرقی کشور کمتر	۳
-	۴
تغییر در الگوهای ارزشی و فرهنگی به نفع تفکر شهرنشینی، روستاگریزی، توجه به روستا و روستانشینی به عنوان یک پدیده ثانویه در سیاستگذاری‌ها	۵

علل و زمینه‌های سیاستی حاشیه‌نشینی در ایران

ردیف	علل و زمینه‌ها
۱	قوانین دست و پاگیر و بورکراسی
۲	سیاست‌های توسعه منطقه‌ای
۳	سیاست‌های توانمندسازی فقرا
۴	عدم حضور نهادهای مدنی و محلی در تصمیم‌گیری‌ها
۵	ضعف نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری
۶	سیاست‌های مدیریت زمین و مسکن
۷	سیاست‌های نادرست قبل از انقلاب
۸	سیاست‌های آموزشی نامناسب
۹	سیاست‌های توسعه صنعتی
	توزیع نامعادلانه قدرت، ثروت و خدمات در سطوح ملی و منطقه‌ای
	الگوی توسعه برون‌زا
	نگاه تمرکزگرایی دولتی
	عدم اجرای آمایش سرزمین
	عدم سیاست‌های توانمندسازی روستاییان
	نبود سیاست و بستر مناسب برای تجهیز و شکل‌های خود جوش مردمی در مناطق محروم
	عدم حمایت سازمانها و مدیریت شهری از شکل‌گیری انجمن‌ها، تشکلهای و نهادهای اجتماعی و عمرانی غیر دولتی
	فساد اداری بخصوص در مدیریت شهری
	نبود رویکرد جامع‌نگر در مدیریت و نظام برنامه‌ریزی شهری
	ضعف مدیریت شهری در خدمات‌رسانی به شهرهای که جمعیت آنها گسترش می‌یابد
	به رسمیت نشناختن حاشیه‌نشینی
	عدم برنامه‌ریزی اجتماعی همراه با برنامه‌ریزی‌های کالبدی و اقتصادی
	عدم توجه به کیفیت برنامه‌ریزی مسکن
	عدم توجه به ابعاد اجتماعی شهرسازی و توسعه شهری
	وجود باندهای قدرت نامشروع و سوداگران زمین بدون سند
	سیاست‌های چندگانه واگذاری زمین در شهرها
	واگذاری زمین شهری توسط دولت بدون ضابطه و بصورت موردی و...
	-
	عدم توسعه مناسب نظام آموزش فنی و حرفه‌ای در مناطق شهری و روستایی
	فقدان مکانهای مناسب و لازم برای آموزشهای کار و حرفه در مناطق غیررسمی و فقیرنشین شهرها
	تمرکز صنایع در شهرهای بزرگ

علل و زمینه‌های اقتصادی حاشیه نشینی در ایران

ردیف	علل و زمینه‌ها
۱	فقر
۲	ساختار نامناسب اقتصادی
۳	بیکاری
۴	عدم توجه به مسکن کم درآمدها
۵	نظام اقتصادی سرمایه داری
۶	بالا بودن قیمت زمین و مسکن
۷	فعالیت‌های غیر مولد اقتصادی
۸	جایابی نامناسب صنایع و کارخانجات

فقر زمینه‌ساز بروز آسیب‌های اجتماعی در جامعه می‌باشد و در صورتی که با دیگر مسائل اجتماعی ترکیب شود، آثار و عوارض بسیاری را به دنبال می‌آورد

گسترش بخش اقتصاد غیر رسمی

گسترش مشاغل کاذب

مهارت کم مهاجران روستائیان و شهرهای کوچک

ناپایداری مشاغل

عدم توجه به سرمایه‌گذاری مسکن ارزان قیمت در محله‌های فقیرنشین متناسب با توان و استطاعت مالی این افراد

دسترسی ناپذیر به نظام‌های رسمی اعتباری و وام مسکن برای کم درآمدها به ویژه شاغلین در بخش غیررسمی

عدم حمایت و هدایت دولت در مورد خانه‌سازی خود یار و نبود برنامه ریزی مستمر در این حوزه

ضعف برنامه‌های بخشی مشخص و مؤثر برای پاسخگویی به نیاز سرپناه کم درآمدها در توزیع جغرافیای مناسب

تمرکز و انباشت سرمایه

گسترش شکاف طبقاتی

فقدان توان تملک مسکن در بخش وسیعی از مصرف کنندگان

بالا بودن هزینه مسکن نسبت به سبد هزینه خانوار

-

طیف عمده‌ای از کارگران کارخانجات ، به دلیل کاهش در هزینه‌های ایاب و ذهاب خود و نیز فراهم نمودن شرایط جهت اشتغال در این مراکز صنعتی، مکانهایی را جهت سکونت انتخاب نمایند که در حاشیه شهرها و در نزدیکی کارخانه‌ها باشد. این نوع حاشیه نشینی، اغلب حاشیه نشینی اختیاری قلمداد می‌گردد تا اجباری

علل و زمینه‌های محیطی حاشیه نشینی در ایران

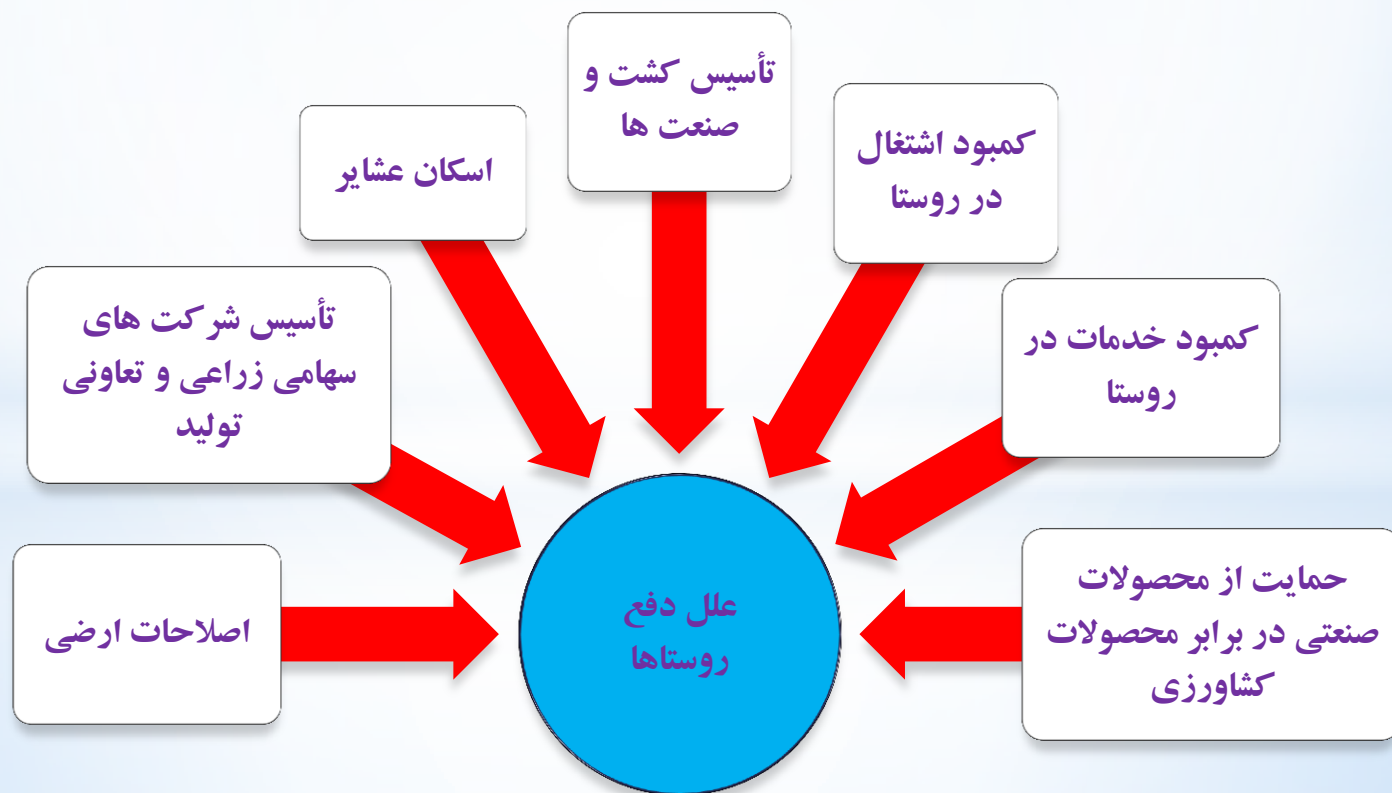
علل و زمینه‌ها		ردیف
خشکسالی	تغییرات اقلیمی	۱
ریزگردها		
بلایای طبیعی		
گسترش مراکز نظامی و امنیتی مثل پادگان‌ها در مناطق مرزی	جنگ تحمیلی	۲
فرسودگی شیوه و بازده پایین تولیدات بر اثر بی توجهی دولتمردان		

۲-۳. عوامل تداومی (عوامل تداوم دهنده و شدت بخش) حاشیه‌نشینی

طیف عمده‌ای از مهاجران و اسکان‌گزیدگان در حاشیه شهرها، علیرغم آنکه ناگزیر به پذیرش زندگی حاشیه‌ای شده‌اند؛ اما با این وجود، عمدتاً به دلیل جاذبه‌های شهری و یا غیرقابل تحملی نمودن مشکلات و کمبودها در جوامع روستایی که از آن مهاجرت نموده‌اند، تداوم زندگی در حاشیه شهرها را برگزیده و بر معضل حاشیه‌نشینی در کشور، دامن می‌زنند. در ذیل، برخی عوامل تداومی در این خصوص را مورد واکاوی قرار خواهیم داد.

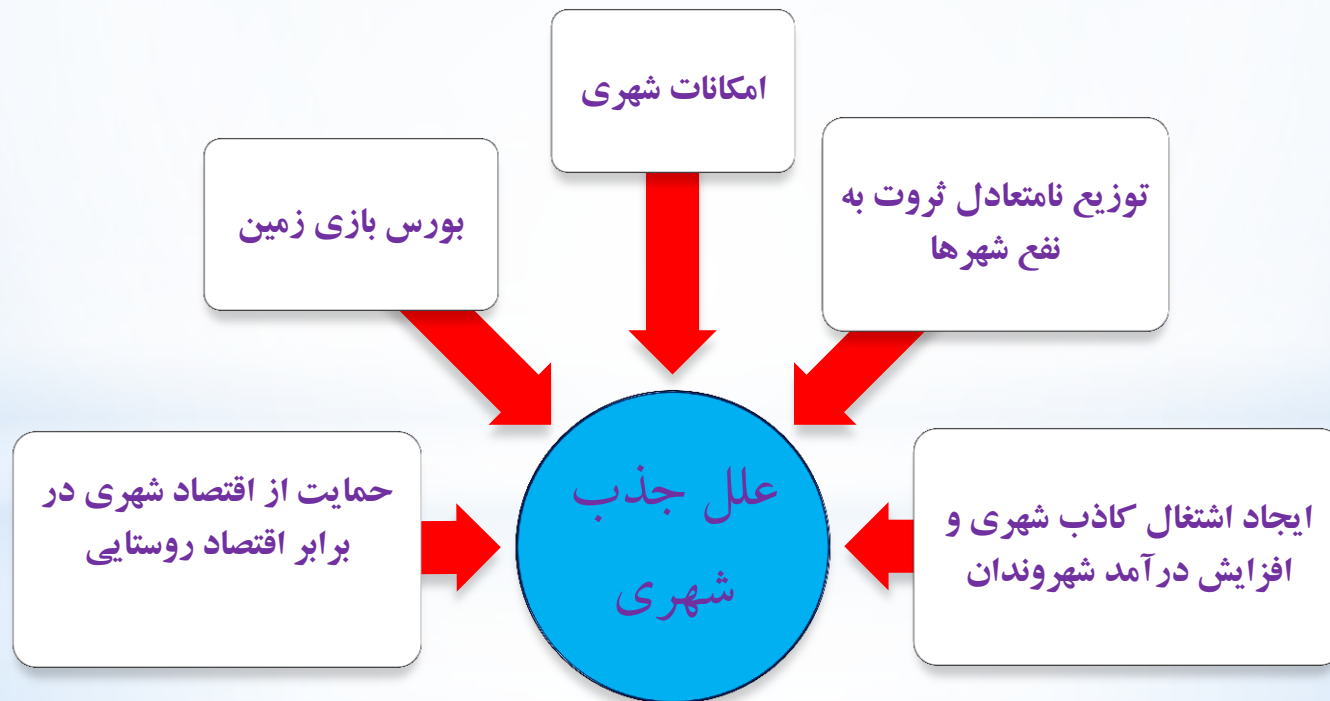
الف) استمرار داستان دافعه‌های مبدأ و جاذبه‌های شهری در مهاجرت روز افزون روستاییان به شهر و حاشیه‌نشین شدن آنان، دو عامل مهم جاذبه‌های شهر و دافعه‌های مبدأ (روستا) را می‌توان دخیل دانست. علل دفع روستاها را می‌توان بدین شرح بیان نمود:

۱. اسکان عشایر، ۲. اصلاحات ارضی، ۳. تأسیس شرکت‌های سهامی زراعی و تعاونی تولید، ۴. تأسیس کشت و صنعت‌ها، ۵. حمایت از محصولات صنعتی در برابر محصولات کشاورزی، ۶. کمبود خدمات در روستا، ۷. کمبود اشتغال در روستا و..



در نقطه مقابل، جاذبه‌های شهری را می‌توان بدین گونه بیان نمود:

۱. توزیع نامتعادل ثروت به نفع شهرها،
۲. ایجاد اشتغال کاذب شهری و
- افزایش درآمد شهروندان،
۳. حمایت از اقتصاد شهری در برابر اقتصاد روستایی،
۴. بورس بازی زمین،
۵. امکانات شهری و...



ب) تداوم فقر و شکل‌گیری فرهنگ فقر معمولاً بیشتر حاشیه نشینان را مهاجران روستایی تشکیل می دهند که با مهاجرت افسار گسیخته به مناطق کلان شهری، باعث بروز پدیده «شهری شدن مزمن فقر» می شوند. مهاجران با کوله باری از فقر و محنت و به قصد دست یابی به زندگی بهتر، جذب زندگی شهری شده اند. تخصص آنها که بیشتر در زمینه کشاورزی بوده، اکنون در مشاغل کاذب و فعالیت های ساختمانی، رفتگری، کارگری ساده و به عبارتی در بخش های غیرمولد به کار افتاده است.

پ) تجانس گروهی و همبستگی جمعی قوی در مناطق حاشیه‌نشین خاصه در مواجهه با مسائل مشترک و عوامل خارجی

ت) رضایت از زندگی در مناطق حاشیه‌نشین هر چند که مناطق حاشیه‌نشین، محیطی با کیفیت پائین زندگی بوده، کمبود شدید خدمات و زیربنای شهری و تراکم بالای جمعیتی در آن مشهود است؛ اما با این وجود، در صد بالایی از حاشیه نشینان (خصوصاً والدین)، از وضعیت فعلی خود رضایت دارند و مایل به برگشت به روستاها یا مناطق زندگی سابق خود در شهرستانهای دور افتاده نمی‌باشند

(ج) **ناکارآمدی نظام برنامه ریزی شهری** شکل‌گیری نظام کاربری اراضی در هر جامعه شهری و نحوه تقسیم اراضی و استفاده از آن در فعالیت‌ها و خدمات مختلف، بازتاب و برآیند عملکرد متقابل مجموعه ای از عوامل و نیروهای مختلف محیطی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و... است. این نظام امروزه به یکی از عرصه‌های مهم ثروت اندوزی و تشدید نابرابری های اجتماعی در شهرها بدل شده و به نوبه خود به مشکلات برنامه ریزی شهری افزوده است.

چ) ترس و بی‌اعتمادی نسبت به نهادها و متصدیان خدمات شهری در مناطق حاشیه نشین

بطور کلی، در افراد حاشیه نشین هراس از سازمان های شهری به سبب پائین بودن سطح فرهنگ و درآمد و نیز نبود امکان تماس با سازمان های شهری و بهره‌مندی از امکانات آنها مشاهده می‌شود؛ چرا که حاشیه نشینان، به افراد غیر ساکن در منطقه اعتماد ندارند و آنان را در مسائل خود، شرکت نمی‌دهند. بر این اساس، هرگونه تلاش سازمانها و نهادهای ذیصلاح به منظور بسترسازی امکانات رفاهی، آموزشی، فرهنگی، بهداشتی و... در این مناطق، در راستای کاستن از آسیب‌های زندگی حاشیه نشینی، اغلب با عدم توفیق مواجه می‌گردد.

ح) معضلات قوانین (خلأهای قانونگذاری و حقوقی در این حوزه) فقدان قوانین روشن

مربوط به حریم های شهری و اجرا نشدن قوانین طبقه‌بندی ارضی در مرحله آغاز توسعه شهر موجب می شود که نواحی صنعتی به حریم منطقه مسکونی تجاوز کنند. بر اثر این مجاورت و تراکم جمعیت، محله‌های حاشیه‌نشین در مجاورت شهرها قارچ گونه، پدید می آیند.

جدول جمع‌بندی

ابعاد	مصادیق
ویژگی‌های حاشیه‌نشینان	- بیشتر افراد مهاجر روستایی و عشایر و کمتر شهری هستند. - جذب نظام اجتماعی و اقتصادی شهری نشده و به عنوان یک شهروند مشروع در جامعه شهری پذیرفته نشده‌اند. - فاقد مهارت لازم و در بعضی از اوقات غیرماهرند و اغلب شغل هم ندارند - دچار فقر شهری (درآمد پایین، سرمایه انسانی پایین، سواد پایین، سلامتی در معرض تهدید، سرمایه اجتماعی پایین، سرمایه اقتصادی پایین). - اغلب افراد فقیر و غالباً بی‌سواد و کم‌سواد، معمولاً فاقد شغل رسمی و وجود پررنگ زنان سرپرست خانوار
ریشه عمده حاشیه‌نشینی	- فقر، درآمد پایین و نامناسب بودن نظام قوانین و مقررات ساختمان - نابرابری اجتماعی و رانده شدگی - محدودیت‌های موجود در زادگاه افرادی که به حاشیه‌نشینی روی می‌آورند - رانده شدن تدریجی خانوارهای فقیر از مرکز به حاشیه و شاخص‌های اجتماعی- اقتصادی نظیر تحصیلات، شغل و درآمد و عوامل دیگر.
اشکال اجتماع در نقاط حاشیه‌نشین	- سکونت در کانون‌هایی از شهر به صورت بهم پیوسته یا جدا از یکدیگر. - شکل‌گیری در محدوده اقتصادی شهرها. - فاقد جمعیتی همگن.
مشخصات محلات حاشیه‌نشین	- شکل‌گیری در پی ساخت‌وساز غیر استاندارد و غیرقانونی (در مسیر مسیل، پایین دست کارخانجات با دفع پسماندهای سمی، محل‌های دفع زباله، مجاورت پایانه‌های مسافربری، ایستگاههای راه آهن، فرودگاهها) - پایین بودن سطح بهداشت (کاهش امید زندگی، افزایش بیماری‌ها، فقر غذایی، کودکان با کوتاهی قد و کاهش وزن، و ایمنی، بروز جرائم و انزوای اجتماعی، و شلوغی و ازدحام. - فقدان یا ضعف جدی در دسترسی به خدمات پایه و خدمات شهری (آب، برق، بهداشت محیط، دفع فاضلاب، جمع‌آوری زباله، آسفالت معابر و خیابانها، روشنایی معابر و ...).
مهمترین آسیب‌ها و تهدیدات محیطی سکونتگاههای غیررسمی	- خطرات ناشی از عدم ایمنی حمل‌ونقل، آلودگی‌های صنعتی کارخانجات همجوار و آسیب‌پذیری بالا به دلیل رانش زمین و حوادثی نظیر سیل. - بروز بیمارهای عفونی، به خصوص ایدز، آلودگی هوا، آب و خاک به دلیل دپوی زباله - اشتغال به مشاغل غیرعادی (دستفروشی لباس کهنه)، مشاغل غیرقانونی (خرید و فروش مواد)، کودکان کار.
آثار سیاسی حاشیه‌نشینی	- حاشیه‌نشین‌ها؛ منشا بزرگی از رای در انتخابات را دارند - پتانسیل برای ایفای نقش اپوزیسیون.
آثار اقتصادی حاشیه‌نشینی	- حاشیه‌نشین‌ها وسیله‌ای برای تولید خدمات ارزان قیمت. - دسترسی محدود به اقتصاد رسمی و رایج بودن کسب درآمد از روش‌های غیررسمی.
آثار فرهنگی حاشیه‌نشینی	- گم‌گشتگی، تعارض فرهنگی و تقابل هنجارها و ارزش‌ها و بروز برخوردهای تنش‌زا در پی شوک زندگی شهری و فقدان حمایت اجتماعی. - شکاف آرمان-دست‌آورد در نیل به خواسته‌های شغلی و بروز ناکامی‌های اقتصادی - غالبیت حمایت فرقه‌ای و فامیلی.

مدل مفهومی طرح جامع حاشیه‌نشینی

متغیرهای مداخله‌گر:

- ۱- فقدان منابع مناسب اقتصادی
- ۲- فقدان الگو و سیاست راهبردی مدیریت فضا
- ۳- فقدان الگوی مدیریت شرایط متغیر و عدم تعادل‌های جمعیتی و جامعه‌شناختی
- ۴- تغییر در منابع فرهنگی و رسانه‌ای
- ۵- وجود فرصت‌های شغلی در شهر
- ۶- محدود شدن منابع در سطح روستاها
- ۷- تمرکز منابع در شهر
- ۸- تغییر الگوی انگیزش نسل‌های جدید به کیفیت زندگی در روستا و شهر

متغیرهای ساختاری:

- ۱- عدم تعادل‌های ساختاری (جنگ و ...)
- ۲- فشارهای ساختاری (فقر، بیکاری و ...)
- ۳- تمایزات فضایی (نابرابری، فضای اشتغال، منابع و امکانات و ...)
- ۴- تمایزات اجتماعی (هویتی، قومیتی و ...)
- ۵- سیاست‌های رسمی (عدم آزادسازی زمین‌های کشاورزی و ...)
- ۶- محدودیت‌های اجتماعی (وجود کانون‌های امنیتی جدید مانند پادگان‌ها در مناطق مرزی)
- ۷- محدودیت دسترسی به منابع (اجتماعی، اقتصادی، آموزشی و ...)

مهاجرت فزاینده

تشکیل محیط‌های حاشیه‌ای

گسترش اندازه شهر

ایجاد زیست محیط‌های جمعی آسیب‌زا

عدم تعادل‌ها و آسیب‌های شهری

۵- اختلالات روانشناختی

عدم تعادل‌های روانشناختی

- ۱- نارضایتی
- ۲- یأس و سرخوردگی
- ۳- ناامیدی
- ۴- بی‌حرکتی اجتماعی
- ۴- انزوای اجتماعی

۴- اختلالات اقتصادی

نامالیقات اقتصادی

- ۱- فقر
- ۲- بیکاری
- ۳- مشکلات معیشتی
- ۴- مسکن نامناسب
- ۵- تزلزل در آمدی

۳- اختلالات اجتماعی و فرهنگی

فضای اجتماعی نامتجانس و نامتعادل از

- ۱- احساس تبعیض
- ۲- احساس محرومیت
- ۳- تضادهای فرهنگی
- ۴- عدم انطباق‌یابی هویتی
- ۵- مقاومت‌گرایی اجتماعی
- ۶- نارضایتی نهادی و سیاسی

۲- اختلالات زیست محیطی

عدم ایجاد زیرساخت‌های لازم

- ۱- آب
- ۲- فاضلاب
- ۳- بهداشت محیط
- ۴- درمانگاه‌ها
- ۵- بزرگراه‌ها و ...
- ۶- حمل و نقل

۱- اختلالات کالبدی

فقدان تعادل بین نیاز و منابع

- ۱- منابع آموزشی
- ۲- منابع بهداشتی
- ۳- منابع ارتباطی
- ۴- زیرساخت‌های شهری
- ۵- زیست محیطی

عدم توازن‌های اجتماعی

- ۱- ایجاد روابط اجتماعی نامتجانس و ناهمگون
- ۲- ایجاد کانون‌های خرده فرهنگی
- ۳- برهم خوردن تعادل در حس مکان
- ۴- هویت‌های مکانی ناهمگون
- ۵- برهم خوردن تعلق محیطی و اجتماعی
- ۶- فروپاشی نظم، کنترل اجتماعی (انومیک شدن محیط)

عدم توازن‌های ساختاری

- ۱- تغییرات کالبدی
- ۲- تغییر در فرم و ریخت شهری
- ۳- عدم توازن در منابع و زیرساخت‌ها (عدم پاسخگویی ظرفیت‌های شهری به نیازهای اجتماعی)
- ۴- توزیع نامناسب فضاها و محیط‌ها
- ۵- ایجاد اقلیم‌های نامتجانس شهری

ادامه در صفحه بعد



ارائه پیشنهادات

الف) اتخاذ برنامه‌های کلان و اجرایی در حوزه آمایش سرزمین نظیر توزیع مناسب جمعیت و فعالیت در کشور و اعمال سیاست‌های تمرکززدایی از طریق افزایش فرصت‌ها و ظرفیت‌های اشتغال در مناطق محروم‌تر و تدوین قوانین مناسب و اعمال سیستم‌های مدیریت کارا و نیز تغییر الگوهای مصرف زمین در کشور؛

ب) برنامه‌های اجرایی به منظور افزایش امنیت و توانمندسازی، نظیر آموزش‌های عمومی و شهروندی و ایجاد مهارت‌های زندگی، اطلاع‌رسانی مناسب به عامه مردم، توجه به نظام‌های مالی و اعتباری مناسب، ایجاد زمینه‌های مشارکت افراد در فرایند تصمیم‌گیری و سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری از طریق شوراهای اسلامی شهر و روستا؛

ج) دخالت‌های کالبدی نظیر اصلاح کالبدی بافت‌های نامناسب شهری، ایمن‌سازی ساختمان‌ها و تهیه ضوابط و راهکارهای طراحی ایمن بافت‌های شهری، تدوین استانداردها و ضوابط کالبدی مناسب با توجه به تفاوت‌های گروه‌های مختلف شهروندان؛ از طریق:

-ارتقاء کیفیت سکونت از طریق اعطای برخی امکانات و تسهیلات و سعی در تطبیق منازل و محلات با اصول و معیارهای شهرسازی

-زیباسازی ظاهر ساختمانها و بناهای موجود در این مناطق (بر اساس تحقیقات ثابت شده که مسکن بد و کثیف در زمینه سازی بر وقوع جرم تاثیر دارد)

-احداث معابر و گذرگاه‌های عادی و ویژه در این مناطق که امکان دسترسی آسان و فوری پلیس و نیروهای انتظامی و امنیتی و اکیپ‌های امداد مثل خودروهای آتش نشانی و اورژانس و غیره را فراهم نماید.

- ایجاد روشنایی کافی در کوچه‌ها و معابر(تجربه نشان داده که در مکانهای تاریک امکان ارتکاب جرم از جمله سرقت و جرح و قتل بیشتر از مکان‌های روشن است و وجود روشنایی کافی در این مناطق خود عامل بازدارنده در ارتکاب جرایم خواهد بود)

سیاس از توجه و همراهی شما